

سلام کودکانه

فرفره‌ای‌های عزیز سلام

زمستون به شماره افتاده و بهار داره از راه می‌رسه. تغییرات طبیعت رو هم میشه کم‌کم دید. بیاید از امروز باهم قرار بذاریم که هروقت توی خیابون قدم می‌زنیم بیشتر به اطرافمون دقت کنیم. مثلاً همین روزاست که درخت‌ها میزبان شکوفه‌های زیبای بهاری بشن. آگه به آسمون هم نگاه کنید حتماً پرنده‌هایی رو که دارن از کوچ دور و درازشون به خونه برمی‌گردن، می‌بینید. دقت کردن به این جزئیات خیلی لذت‌بخشه و میشه کلی باهاش تفریح کرد. طبیعت چهارفصل ایران به ما این امکان رو میده تا ویژگی‌های خاص هر فصل رو از نزدیک لمس کنیم و ارزش چیز یاد بگیریم.

راه‌های ارتباطی با فرفره



به دنیای من خوش آمدید رویا‌های کوچولو بساز!

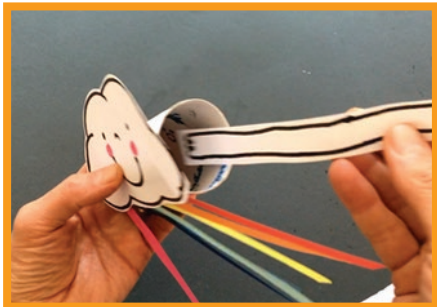
یادتونه قرار بود شب‌ها به رویاهاتون فکر کنید و برامون بفرستید؟ این هفته «مصطفی احتشام» و «نازنین زهرا حسینی» رویاهاشونو فرستادن که با هم می‌خونیم.

من مصطفی هستم، ۸ ساله. توی شهر کاشمر زندگی می‌کنم، بابام بهم میگه رویاها کمک می‌کنن ما زندگی رو قشنگ‌تر ببینیم و دنبال رسیدن به چیزهای جالب باشیم. برای همین من توی رویاهام تبدیل میشم به یک فوتبالیست خوب مثل «علیرضا جهانبخش» و تو مسابقات حساس گل می‌زنم. برادر بزرگ‌تر مامانم که دایی من میشه تو جنگ شهید شده، برای همین من تو رویاهام وقتی گل می‌زنم پیراهنم رو میدم بالا تا عکس دایی «تقی» رو نشون بدم! ● نازنین زهرا هستم، ۵ ساله، من دوست دارم به باغبون مهربون بشم که می‌تونه گل‌های عجیب و غریب و میوه‌های خیلی بزرگ پرورش بده.

کاردستی

ساخت ابرورنگین کمان

کوچولوهای من، این رنگین‌کمان‌های خوش آب و رنگ منتظرند توسط شما درست شوند و برای تزئین اتاق شما حسایی خودنمایی کنند! برای ساخت این ابرهای خندان و رنگین‌کمان‌های خوشگل به یک رول دستمال کاغذی، تعدادی کاغذ رنگی، مقوای سفید و چسب مایع نیاز دارید. ابتدا از چند رنگ مختلف، نوارهای کاغذی یک شکل برش بزنید و به ترتیب روی رول دستمال کاغذی بچسبانید، سپس شکل دست و یک ابر را روی مقوای سفید بکشید و برش بزنید؛ یادتان نرود برای ابر کوچولو یک چهره خندان هم بکشید. در نهایت مانند تصویر دست‌ها را داخل رول بچسبانید، سپس ابر را روی رول و بالای کاغذهای رنگی بچسبانید. برای زیباتر شدن، می‌توانید با دست‌تان پایین نوارهای کاغذی را فر دهید.



از دروازه بانی تا شخصیت پاتریک ستاره‌ای

سلام دوست‌های مهربونم، این هفته میزبان دوتا از دوست‌های خوب فرفره‌ای هستیم که درباره علایق شون صحبت می‌کنند.

من «پویا روغنی» هستم، ۱۱ ساله، یکی از کشته مرده‌های فوتبال هستم و آرزومه یک روزی دروازه‌بان تیم «بارسلونا» یا بهترین دروازه‌بان دنیا بشم. عاشق چیزهای عجیب و غریبم، برای همین هم پویانمایی «من نفرت‌انگیز» رو خیلی دوست دارم.

منم «فرهاد صبریان» هستم و ۸ ساله، خیلی کارتون «باب اسفنجی» و پاتریک ستاره‌ای رو دوست دارم، به همه هم پیشنهاد میدم این کارتون رو ببینند، این قدر دوستش دارم که دلم می‌خواد شبیه پاتریک بشم و مثل اون شل و ول حرف بزنم! من آرزو می‌کنم هیچ وقت پدر و مادرم مریض نشن و همیشه کنارم باشن. چون دوست دارم دکتر قلب بشم، از الان دارم خوب درس می‌خونم تا به آرزوم برسم.



قصه تصویری

ماجرای البرز و هیولای گندم‌زار

یکی بود یکی نبود، زیر گنبد کبود پسری به اسم «البرز» توی یک روستای زیبای کویری زندگی می‌کرد. خانواده البرز کشاورز بودن و قرار بود البرز از همین بهار در برداشت گندم به پدرش کمک کنه. البرز خیلی خوشحال بود اما وقتی به هیولای وسطا گندم‌زار فکر می‌کرد ترس می‌داشت. هیولا سال‌ها بود که اون‌جا زندگی می‌کرد.

